

مجموعه مقالات
الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی در جهان معاصر

جمعی از نویسندگان
زیر نظر : دکتر سید رضا صالحی امیری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی

۱۳۹۲

سرشناسه: صالحی امیری، سید رضا، ۱۳۴۰-
 عنوان و نام پدیدآور: مجموعه مقالات الگوهای سیاست گذاری فرهنگی در جهان معاصر / سیدرضا صالحی امیری؛ (به سفارش) پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی.
 مشخصات نشر: تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۲.
 مشخصات قلمری: ۵۱۵ ص: مصور، جدول، نمودار.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۰-۰۴۰-۱ ریا: ۱۵۰۰۰۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: سیاست فرهنگی - مقاله ها و خطابه ها
 موضوع: سیاست فرهنگی - ایران - مقاله ها و خطابه ها
 موضوع: سیاست فرهنگی - مطالعات تطبیقی
 شناسه افزوده: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی
 شناسه افزوده: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک
 رده بندی کنگره: ۳۳۴ ۳۹۲ م ۶۲۱/ HM
 رده بندی دیویی: ۳۰۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۸۸۳۹۱

مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
 پژوهشکده تحقیقات راهبردی
 گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی
 عنوان: مجموعه مقالات الگوهای سیاست گذاری فرهنگی در جهان معاصر

زیر نظر: دکتر سید رضا صالحی امیری
 استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰

گرافیک و ناظر چاپ: مصطفی اعلانی حیدری

چاپخانه: مرکز تحقیقات استراتژیک

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۰-۰۴۰-۱

نشانی: انتهای خیابان پاسداران - ضلع جنوبی بوستان نیاوران - شماره ۸۰۲

پایگاه رایانه ای: www.csr.ir

پست الکترونیکی: cultural@csr.ir

دورنگار: ۲۲۸۰۴۶۲۲

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و ژاپن / مهدی نوید ادهم	۱۵
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و مصر / شهرداد امیرانتخابی	۵۹
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و ترکیه / اکرم حفرتی لیلان	۹۵
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و فرانسه / فاطمه توحیدی اردهایی	۱۲۱
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و مالزی / علی پالیزبان	۱۶۵
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و هند / ساهه ابتهاج	۲۰۷
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و ایتالیا / آنتونیا شرکا	۲۴۳
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و استرالیا / فرشاد رحمتی زنجان‌طلب	۳۰۳
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و ایالات متحده آمریکا / محمد سرشار	۳۸۳
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و کانادا / مهدی اسماعیل‌تبار	۴۲۹
بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران و پاکستان / مهدی کاظمی	۴۷۳

پیشگفتار

به‌طور کلی اولین برنامه‌ریزی فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی، تحت عنوان «اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۷۱ تهیه شد و در تاریخ ۷۱/۵/۲۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شامل یک پیشگفتار، مقدمه و اهداف است که اهداف آن شامل: الف) اهداف فرهنگی، ب) اهداف سیاست فرهنگی، ج) اصول سیاست فرهنگی و د) منبئات، اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، سیاست‌های اجرایی و مراکز نظارت، اجرا و هماهنگی می‌شود. در پیشگفتار سیاست مذکور آمده است: «سیاست فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی است و راهنما و دستورالعملی برای مدیران فرهنگی خواهد بود».

در مقدمه با بیان اهمیت فرهنگ و برنامه‌ریزی فرهنگی، مفهوم سیاست فرهنگی بیشتر تشریح شده و سپس چند نکته ضروری در خصوص سیاست فرهنگی کشور آورده شده است. از جمله این نکات عبارتند از:

الف) سیاست فرهنگی، سیاست انقلاب اسلامی است؛

ب) سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی متخذ از جهان‌بینی و

انسان‌شناسی اسلامی است؛

ج) اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و فتاوی‌ای حضرت امام خمینی (ره) بر سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران حاکم است؛

د) قانون اساسی به‌عنوان مظهری دیگر از بینش فرهنگ اسلامی و جلوه‌ای از افکار و اندیشه‌های امام (ره) و رهبر، الهام‌بخش و استحکام‌بخش سیاست فرهنگی است.

مجموع اهدافی که در سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قید شده، شامل ۳۱ هدف است که در سه بخش (اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی، اهداف سیاست فرهنگی و اصول سیاست فرهنگی) آورده شده است.

«اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» شامل شش هدف در زمینه‌های رشد و تعالی فرهنگ اسلامی-انسانی و گسترش پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جهان، استقلال فرهنگی، به کمال رساندن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی، آراسته شدن به فضایل اخلاقی، تحقق کامل انقلاب فرهنگی، درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزش‌های اسلامی است.

«اهداف سیاست فرهنگی» نیز پنج هدف را شامل می‌شود این اهداف به‌صورت بسیار خلاصه عبارتند از:

۱. تعیین و تدوین اصول راهنما و اولویت‌های لازم‌الرعایه در حرکت فرهنگی کشور، با توجه به آرمان‌ها و اعتقادات، ظرفیت‌ها و روافعیات و تجربیات داخل و خارج از کشور؛

۲. ایجاد وحدت رویه و هماهنگی در میان دستگاه‌های مختلف و بسیج امکانات در جهت پاسخگویی به نیازها؛

۳. تأکید بر آرمان‌ها و ارزش‌های معنوی و فرهنگ اسلامی، ترویج

فرهنگ بسیج و تقویت روحیه ایثار؛

۴. تهیه و تدارک ملزومات در جهت همسویی و عدم مغایرت طرح‌ها و

برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و غیرفرهنگی با سیاست فرهنگی کشور؛

۵. تسهیل و تقویت امور برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی فرهنگی در

عین حمایت از تعدد، تنوع و آزادی فعالیت‌های فرهنگی مردمی و مبادله فرهنگی میان بخش‌های دولتی و غیردولتی.

«اصول سیاست فرهنگی» نیز طبق تأکید انجام شده در متن اصول، راهنمای مسئولان، مدیران، برنامه‌ریزان و کارگزاران فعالیت‌های فرهنگی و شامل ۲۵ اصل است. این اصول شامل موارد بسیار متعددی هستند که تنها به برخی از آنها اشاره می‌شود: بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف، شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و معرفی آن، ارتباط فعال با سایر کشورها، شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از تجربه‌های علمی و فرهنگی جهان، تحکیم وحدت ملی و دینی، تلاش مستمر در جهت رشد علمی فرهنگی و فنی جامعه، اهتمام و تقویت زبان و ادبیات فارسی، گسترش زمینه‌های لازم برای شکوفایی خلاقیت‌ها، پاسداری از آزادی و امنیت انسان و فراهم ساختن شرایط و امکانات تحقیق و استفاده از آن، تقویت تفکر و تعقل، مقابله با خرافات و موهومات، ترویج روحیه قیام به قسط و عدالت اجتماعی، ارزش دادن به کار، توجه به فرهنگ و هنر روستا، گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری، توسعه و اعتدالی تبلیغات فرهنگی و....

پس از ذکر اصول مزبور، منبهاات سیاست فرهنگی در ۲۶ بند آورده شده است. این منبهاات عبارتند از: تلقی نادرست از زهد و ترک دنیا، بی‌اعتنائی به نظم عمومی، تصویر مغایر بودن شریعت اسلامی، مخفی شدن فساد عقیده و اخلاق، گرایش به راه‌حل‌های شتاب‌زده و خشونت‌آمیز در حوزه مشکلات اجتماعی، مدون نبودن فلسفه سیاسی و نظریه مدیریت در

جامعه، نهی از منکر با توسل به منکرات دیگر، ریاکاری، نفاق، تملق، رواج برخی از خرافات، عوام‌زدگی و عوام‌فریبی، عدم بازخواست از کسانی که قوانین را بنا بر رأی خود، تفسیر و اجرا می‌کنند و....

در ادامه، اولویت‌ها و سیاست‌های کلی در ۴۸ بند ذکر شده است. برخی از این اولویت‌ها عبارتند از:

۱. اولویت دادن به کودکان، نوجوانان و جوانان در داخل کشور؛
۲. اولویت دادن به کشورها و مجامع اسلامی و ایرانیان خارج از کشور؛
۳. اهتمام بیشتر به کشف استعدادها و خلاقیت‌های فرهنگی و هنری و آموزش و تربیت نیروی انسانی؛
۴. حمایت‌های معنوی و مادی از مراکز و فعالیت‌های فرهنگی و هنری تأمین اجتماعی از باب فرهنگ و هنر و تشویق آنان به آفرینش‌ها و ابداعات فرهنگی و هنری؛
۵. اولویت دادن به مقام زنان در سطح کشور، با توجه به مکانست والای زن و نقش اساسی زن مسلمان در تحکیم میانی خانواده و برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و هنری؛
۶. ایجاد زمینه‌های مناسب جهت بهره‌گیری مطلوب و متعادل فرهنگی و هنری از اوقات فراغت و تفریح؛
۷. افزایش ظرفیت مراکز فرهنگی، با لحاظ رشد جمعیت کشور؛
۸. تشویق سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم و هدایت انگیزه‌های معنوی آنان در جهت تأمین نیازهای بخش فرهنگ و هنر و ایجاد تسهیلات لازم در این زمینه و همچنین تضمین حقوق سرمایه‌گذاران؛
۹. کمک به تأمین مواد اولیه و تقویت صنایع تولید مواد و ملزومات فرهنگی و هنری؛
۱۰. سازماندهی بازار، ترویج محصولات فرهنگی و هنری و اصلاح شبکه‌های توزیع و....

اولویت‌های سیاست‌های کلی در زیرمجموعه خط‌مشی فرهنگی آورده شده است. امکانات، دانشگاه، تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، زیارت و سیاحت و روابط خارجی سایر موضوعاتی هستند که در این زیرمجموعه جای گرفته‌اند. موضوع سازمان‌ها و مراکز نظارت، اجرا و هماهنگی، آخرین موضوعی است که در اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی به آن اشاره شده است. در اصل ۴۹ از اصول سیاست فرهنگی در زیرمجموعه موضوع مذکور می‌خوانیم: «مسئولیت نظارت و ایجاد هماهنگی لازم در اجرای سیاست فرهنگی بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است که تحت ریاست رئیس‌جمهور انجام می‌گیرد».

در اصل ۵۰، نهادها و سازمان‌های مجری سیاست فرهنگی به قرار زیر مشخص شده‌اند: «وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزارت امور خارجه، سازمان‌های صدا و سیما و تربیت بدنی، به‌طور خاص مجریان سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی هستند».

به‌طور کلی دیدگاه‌های نظری موجود در خصوص سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان در دو دیدگاه نظری متفاوت از یکدیگر تفکیک کرد. این دو دیدگاه عبارتند از:

الف) دیدگاهی که با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در عرصه فرهنگ مخالف است؛ براساس این دیدگاه، اتخاذ سیاست فرهنگی مشخص، تهدیدی علیه آزادی انتخاب فرد و توسعه تجاری است، بنابراین اصولاً ضرورتی برای آن وجود ندارد. از طرف دیگر، فرهنگ مقوله‌ای کیفی و حاصل زندگی عده کثیری از مردم در یک شرایط مشابه و در مدت زمان نسبتاً طولانی است، بنابراین نمی‌توان و نباید آن را از امر متعالی و کیفی به زمین خاکی و عالم انسانی برنامه‌ریزی تنزل داد. این دیدگاه توسط اکثر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی پیگیری می‌شود. در آمریکا مخالفت

با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی بر سه استدلال استوار است: ۱. تنظیم سیاست‌های هماهنگ در این عرصه بر فعالیت سازمان‌های خصوصی تأثیر مختل‌کننده دارد، ۲. سیاست‌گذاری فرهنگی دولت باعث مداخله نابجای دولت در توسعه فرهنگی می‌شود و ۳. این مداخله بر لزوم تبعیت (نه هدایت‌کنندگی) دولت در عرصه فرهنگ از بخش خصوصی تأثیر منفی دارد. براساس رویکرد مذکور، تدوین سیاستی که کلیت فرهنگی یک کشور را در دایره شمول خود قرار می‌دهد، اگر نگوئیم ناممکن، حتماً امری دشوار است. «تنوع فرهنگی»، «اخلاقیت فرهنگی» و «تغییر فرهنگ» در این رویکرد به‌عنوان اصولی اساسی تلقی می‌شوند که برنامه‌ریزی فرهنگی - به‌ویژه از سوی دولت - تهدیدی جدی برای آن محسوب می‌شود.

ب) دیدگاهی که سیاست‌گذاری فرهنگی را یک ضرورت می‌داند؛ این دیدگاه که عملاً شامل گروه نسبتاً وسیعی از دیدگاه‌های مختلف است، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی را نه تنها امری میسر و «شدنی»، بلکه آن را الزامی و اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌کند. در این دیدگاه، برنامه‌ریزی فرهنگی تهدیدی برای آزادی انتخاب فرد محسوب نمی‌شود و اگر هم باشد، اصولاً گریزی از آن نیست.

اگر دیدگاه اول را دیدگاه فرهنگی لیبرالیسم بنامیم، اندیشه فرد مستقل و امیال و خواست‌های ویژه او - که نباید محدودیت و الزام بیرونی بر او حاکم بوده و برای او تعیین تکلیف کند - در مرکز آن جای می‌گیرد. تصور چنین فرد مستقلی از شبکه مناسباتی که بر مبنای آن، فرد و امیال او سامان می‌یابد، اندیشه‌ای متافیزیکی است؛ چراکه فرد همواره در شبکه‌ای از مناسبات جمعی تعریف و کم و بیش خواست او در مناسبات مذکور تعیین می‌شود. در چنین شرایطی، برکنار ساختن دولت و نظم مستقر از هدف‌گذاری در عرصه فرهنگ، به‌هیچ‌وجه جایگاهی برای آزادی فرد و انتخاب‌های آزادانه او فراهم نمی‌آورد؛ بلکه جای خالی دولت را منابع دیگر

قدرت پر می‌کنند. بر این اساس، سیاست‌گذاری فرهنگی در کشورهای مختلف وضعیت متفاوتی پیدا می‌کند؛ اگرچه در همه آنها وجود آن ضروری است. در یک کشور پیرامونی، هر گام عقب‌نشینی نظام مستقر در هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری حوزه فرهنگی به معنای پیشروی رقبای حاضر در صحنه منازعات قدرت و عقب‌نشینی نظام سیاسی به معنای وانهاد قدرت به رقیب حاضر در صحنه سیاسی است.

این کتاب حاصل کار تحقیقات دانشجویان دوره دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی است که با اولویت بررسی تطبیقی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی ایران با کشورهای چون آمریکا، استرالیا، مصر، ترکیه، کانادا، مالزی، هند، ایتالیا و برخی از کشورهای دیگر انجام شده است. از آنجایی که تا کنون در کشور تحقیق مشابهی در این حوزه انجام نشده است، انتشار این مجلد می‌تواند گامی کوچک در انجام تحقیقات بعدی باشد. امید است سایر صاحب نظران و استاد علاقمند در این حوزه با ارسال نظرات ارزشمند و صائب خود ما را در انجام تحقیقات بعدی جهت غنای تولیدات این حوزه یاری کنند.

در خاتمه جا دارد از کلیه دانشجویان دوره دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی که با ارائه مقالات خود به گردآوری این مجموعه کمک کرده‌اند تشکر و قدردانی نمایم. برای کلیه این عزیزان آرزوی توفیق و اعتلای روزافزون در تمامی عرصه‌های زندگی به‌ویژه حوزه علم و فرهنگ در کشور دارم.

سیدرضا صالحی امیری

معاون پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی